

علیرضا قاسم‌خان

قاجاریه و نخستین گام‌های سینمای ایران

از ۱۲۷۷ تا ۱۲۸۵ش

در سال ۱۲۷۴ش / ۱۸۹۵م که در زیرزمین گرانداکافه پاریس اولین تصاویر سینماتوگراف بر پرده نقش بست، در ایران مظفرالدین‌شاه بر تخت پادشاهی بود. از چندی قبل، یعنی در دوره ناصرالدین‌شاه، جریان تحول و برخورد ایرانیان با مظاهر تمدن غرب رنگ و آهنگی تازه به خود گرفته بود. به‌ویژه در گوشه و کنار تهران، جلوه‌های این تحول به چشم می‌خورد.

برای شناخت موقعیت سینما در آن زمان، باید وضع کلی فرهنگ ایرانی در آن روزگار و جریان تحولات در همه مظاهر فرهنگ را بررسی کرد؛ مانند دگرگونی در سلاطین اشراف و عامه، رواج چاپ سنگی و تأثیر آن بر خوشنویسی و نقاشی ایرانی، ورود دوربین عکاسی و ثبت و ضبط تصاویر اشخاص و مناظر و مکانها، مسیر جدید در نقاشی ایران با تقلید از نقاشی اروپایی، دگرگونیهای فنی و مهندسی، و تحولات شهری. در زمانه ورود سینما به ایران، حیات جمعی و تاریخی ایران و ایرانی آماده دریافت و پذیرش فناوری جدید بود. سینما محملی بود که هم فناوری جدید را در بر داشت و هم مظهر سلیقه‌های جدید متأثر از سلاطین اروپایی بود.

اندکی پس از ورود سینما، زمزمه‌های انقلاب مشروطه به فریادهایی بلند بدل شده و در جراید و کتابها و خطابه‌ها به ظهور رسیده بود. با این حال، دوربین سینما در ایران به این حرکت عمیق سیاسی و اجتماعی بی‌اعتنا ماند. سینمای ایران، مهتر بگویم دوربین فیلم‌برداری، نه تنها در این جریان حضوری مؤثر نداشت، حتی برای ثبت آن هم تلاشی نکرد.

در این نوشتار کوتاه قصد داریم با روشن‌تر ساختن سه چهره تأثیرگذار در سینمای ایران، اوضاع و احوال ظهور سینمای ایران را به‌اجمال بررسی کنیم: مظفرالدین‌شاه قاجار، که سینما را به ایران آورد؛ میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی، اولین فیلم‌بردار ایرانی؛ و میرزا ابراهیم‌خان صحاف‌باشی، که موجب عمومی شدن سینما در ایران شد.

گام نخست

مظفرالدین‌شاه در سفر به فرنگ با دستگاه سینماتوگراف، که هم دستگاه فیلم‌برداری بود و هم دستگاه نمایش، آشنا

اختراع سینما در فرانسه با حکومت مظفرالدین‌شاه قاجار در ایران مقارن بود. به همت همو بود که چند سالی پس از این اختراع، دوربین فیلم‌برداری و نمایش فیلم به ایران آورده و سینمای ایران پایه‌گذاری شد. از همین رو، نخستین حامی سینما (مظفرالدین‌شاه)، نخستین فیلم‌بردار (میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی)، نخستین بازیگران (شاه و درباریان)، نخستین فیلمهای ایرانی (جشن گل در اوستاند بلژیک، عزاداری در سبزه‌میدان، تاخت خرسواران)، نخستین تماشاجی ایرانی، قدیم‌ترین نمایش عمومی و نخستین تالار سینما (مغازه ابراهیم صحاف‌باشی) را باید در همان دوره جست. پا گرفتن سینما در ایران تقریباً با وقوع انقلاب مشروطیت هم‌زمان بود. با این حال، چون سینما و فیلم‌برداری در آن زمان کاملاً درباری بود و شاه موافق مشروطه نیز در سال آخر عمر خود رغبتی به سینما (که آن را تفتن می‌شمرد) نداشت، سینمای ایران به آن رویدادهای مهم بی‌اعتنا ماند.



ت ۱. (چپ)
میرزا ابراهیم خان
عکاس‌باشی، مأخذ:
تاریخ سینمای ایران،
ص ۱۱۶

ت ۲. (راست)
مظفرالدین شاه در
۱۲۷۹ [ش.عکس]
را میرزا ابراهیم خان
عکاس‌باشی گرفته
است، مأخذ: همان،
ص ۱۱۷



شد. به بیان دیگر، او ابتدا با نمایش فیلم آشنا شد و سپس به خرید دستگاه تصویربرداری فرمان داد.

مظفرالدین شاه قاجار در بیست و چهارم فروردین ۱۲۷۹ [ش] از تهران به قصد اروپا حرکت کرد [...]. در سفرنامه مبارکه مظفرالدین شاه می‌خوانیم که شاه روز یکشنبه هفدهم تیر ۱۲۷۹ [ش] به اتفاق میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی به تماشای دستگاه سینموفتوگراف ولاترن مازیک رفته است. این حادثه پنج سال پس از اختراع سینما توسط برادران لومیر در پاریس رخ داده است [...].

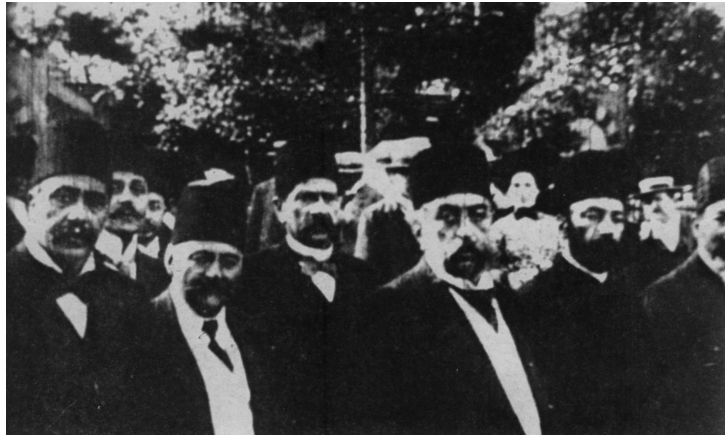
شاه در سفرنامه‌اش این‌طور می‌نویسد: «[...] طرف عصری به عکاس‌باشی فرمودیم آن شخصی که به توسط صنیع السلطنه (پدر میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی عکاس مخصوص دربار) از پاریس سینموفتوگراف ولاترن مازیک آورده است، اسباب مزبور را فراهم کنند که ملاحظه نمایم. رفتند نزدیک غروب او را حاضر کردند. رفتیم به محلی که نزدیک میهمان‌خانه‌ای است که نوکرهای ما در آنجا شام و نهار می‌خورند. نشستیم. اتاق را تاریک کردند. هر دو اسباب را تماشای کردیم. بسیار چیز بدیع خوبی است. اغلب امکانه (اکسپوزیسیون) را به طوری در عکس مشخص تماشای می‌دهد و مجسم می‌نماید که محل کمال تعجب و حیرت است. اکثر دورنماها و عمارت (اکسپوزیسیون) و حالت باریدن باران و رودخانه سن و غیره را در شهر پاریس؛ و به عکاس‌باشی فرمودیم که همه آن دستگاهها را ابتیاع نماید.»^۱

مظفرالدین شاه در همان سفر دو بار دیگر طرز کار دستگاه را تماشا کرد: یکی در ۳ مرداد ۱۲۷۹ ش در پاریس، و دیگری در سه‌شنبه ۲۳ مرداد ماه ۱۲۷۹ در اوستاند بلژیک. در دیدار اخیر واقعه‌ای رخ داد که از نظر تاریخ سینمای ایران بسیار مهم است. در آن روز، در ساحل دریا در بلژیک جشن روز گل برگزار می‌شد. مظفرالدین شاه نیز به این مراسم رفته بود و میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی از حضور او در مراسم فیلم‌برداری کرد؛ و اولین فیلم ایرانی این‌چنین پدید آمد. مظفرالدین شاه خود واقعه را چنین آورده است:

امروز عید گل است و ما را دعوت به تماشای نمودند. رفتیم به تماشای جناب اشرف صدر اعظم و وزیر دربار هم در رکاب بودند. بسیار عید تماشایی بود. تمام کالسکه‌ها را با گل مزین کرده و توی کالسکه‌ها و چرخها را پر از گل نموده بودند که کالسکه‌ها پیدا نبود. و خانها سوار کالسکه شده با دسته‌های گل در جلو ما عبور می‌کردند و عکاس‌باشی هم مشغول عکس سینموفتوگراف‌اندازی بود.^۲

در سال ۱۳۸۲ ش، تقریباً ۱۰۳ سال پس از مراسم جشن گل در بلژیک، فیلم جشن گل، پس از بازسازی و مرمت در فرانسه به ایران آورده و به نمایش گذاشته شد. بررسی این فیلم نشان می‌دهد که

میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی با دوربین شاه و خودش در اوستاند فیلم‌برداری کرده؛ ولی احتمالاً چنین نبوده



ت ۳. مظفرالدین شاه و جمعی از درباریان در صحنه‌ای از فیلمی که میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی گرفته است، ماخذ: همان

گام دوم

دوره دوم دوره بازگشت مظفرالدین شاه از فرنگ و استفاده از دوربین در دربار است. مانند بسیاری از پدیده‌های فرهنگی و هنری در تاریخ ایران، نمایش فیلم و فیلم‌برداری از دربار آغاز شد و بیشترین تصاویر باقی‌مانده از آن دوران تصاویر شاه و درباریان و مضحک‌های ساخته آنان است. این فیلمها، که میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی آنها را برداشته، شده عموماً دربرگیرنده وقایع ساده و خنده‌آوری است که شاه و درباریان بازی کرده‌اند. تأثیر این‌گونه تصویرپردازی تا سالهای بعد، حتی در فیلمهای اولیه سینمای ایران (آبی و رابی و حاجی آقا اکتور سینما) دیده می‌شود.

در فیلم کوتاه *تاخت خرسواران عملیه خلوت مظفری در خیابانی مشجر، عیسی خان، نخستین بازیگر سینمای ایران*، سوار بر مرکب خویش در میان تصویر دیده می‌شود. فیلم را میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی در حدود سال ۱۲۸۰ش برداشته است. در فیلم کوتاه دیگری، مظفرالدین شاه در نقش خویش ظاهر شده و به دوربین‌اندازی مشغول است. فیلم‌برداری این فیلم نیز از میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی است.^۴

نخستین فیلم‌بردار ایرانی

آنچه تاکنون در باب سینمای ایران رفت، شرح ورود یا تحقق حضور سینما در ایران به وسیله مظفرالدین شاه قاجار بود. اگرچه تحولات فرهنگی و هنری را نباید صرفاً به وقایع سیاسی تحویل کرد، اما این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که با اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی پس از قتل ناصرالدین شاه، کسی توان یا جرئت خریدن و وارد کردن سینماتوگراف را به ایران نداشت و چنین کاری فقط از عهده شاه برمی‌آمد. وقایع نشان می‌دهد که شاه این دستگاه را برای سرگرمی خود به ایران آورد. اما این میرزا ابراهیم خان عکاس‌باشی که بار گران آوردن سینما به ایران را بر دوش گرفت کیست؟

ابراهیم، که بعداً نخستین سینماگر ایرانی خواهد شد، در رجب ۱۲۹۱ ق / مرداد ۱۲۵۳ شمسی / اوت ۱۸۷۴ در تهران به دنیا آمد. پدر او، میرزا احمد، مردی صنعتگر بود که از ناصرالدین شاه لقب صنیع‌السلطنه گرفته بود. این

است. در تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۰۰ (دوشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۱۸ / ۲۹ مرداد ۱۲۷۹)، یعنی دو روز پس از جشن گل، شرکت گومون‌نامه‌ای برای عکاس‌باشی به اوستاند فرستاده، از جمله به او اطلاع می‌دهد که لوازم مربوط به تصویر که سفارش داده بوده در پاریس تحویل داده شده است، دو دستگاه دوربین فیلم‌برداری که خواسته بوده تحویل داده می‌شود (ظاهراً به شخص وی و هم‌زمان با همین نامه)، و دیگر اینکه یک فیلم‌بردار آن شرکت با کلیه وسایل فیلم‌برداری‌اش در اوستاند است در اختیار وی می‌باشد. اگر نامه و دوربینها حتی دو روز در راه بوده باشند، پیش از ۲۳ اوت، یعنی چهار روز پس از جشن گل و یک هفته پس از فیلم‌برداری در کنار دریا، به دست ابراهیم میرزا نرسیده‌اند. پس میرزا ابراهیم پیش از ۲۲ اوت دوربینی نداشتند است، و شاه هم تنها به فیلم‌برداری میرزا ابراهیم در اوستاند اشاره می‌کند و نه در جای دیگر. به این جهات، به احتمال زیاد پیش از این در این سفر چنین اتفاقی نیفتاده بود و میرزا ابراهیم در اوستاند با دستگاه فیلم‌برداری که شرکت گومون فرستاده بوده کار کرده است. البته بدیهی است که او قبلاً در پاریس هنگام خرید دوربینهای فیلم‌برداری با این لوازم آشنا شده بوده و طرز کار و ظهور فیلم آنها را آموخته بوده است. و بدین جهت می‌توان فرض کرد که او از آن دوران دستگاهی در اختیار داشته و بعداً آن را با خود به بلژیک برده بوده است.^۳

در هر حال با آنچه تا کنون یافته‌ایم، جشن گل در اوستاند بلژیک نخستین فیلمی است که ایرانیان برداشته‌اند.

شخص برای اولین بار توسط دوست علی خان نظام الدوله به اروپا برای آموختن فن عکاسی فرستاده شده بود.^۵

دربارهٔ صنایع السلطنه روایت شده است که بی اجازهٔ ناصرالدین شاه با معیرالممالک به اروپا سفر کرد و شاه به هر دو غضب کرد. معیرالممالک بازگشت؛ ولی صنایع السلطنه حدود ده سال در اروپا ماند و پسرش میرزا ابراهیم خان از چهارده سالگی در پاریس به تحصیل عکاسی و گراورسازی و عکاسی روی چینی پرداخت. زمانی که سرانجام ناصرالدین شاه به پدرش رخصت بازگشت به وطن را داد، او نیز همراه پدر به تهران آمد و به دستور شاه در خدمت مظفرالدین میرزا درآمد که ولیعهد بود و در تبریز به سر می برد. پس از کشته شدن ناصرالدین شاه، میرزا ابراهیم خان عکاس باشی در رکاب مظفرالدین شاه به تهران آمد.^۶

میرزا ابراهیم خان عکاس باشی در تمامی سفرهای شاه به فرنگ حضور داشت و عکسها و فیلمهای خوبی نیز تهیه کرد. در یکی از سفرها چاپخانه‌ای سیار برای خود خرید و در تهران مطبعهٔ خورشید را راه انداخت و کتابهای گوناگونی به چاپ رساند. عکاس باشی پس از وفات مظفرالدین شاه (ذیقعه ۱۳۲۴ق / دی ۱۲۸۵ش / ژانویه ۱۹۰۷م) دربار را ترک کرد و تا سال وفات (۱۲۹۴ش) به کشاورزی در کرج و گیلان پرداخت.^۷



ت ۴. میرزا ابراهیم
صحاف باشی
(مهاجر) طهرانی،
تصویر از روی جلد
نامهٔ وطن، نشریه‌ای که
صحاف باشی در تبعید
در هند منتشر می کرد،
است، مأخذ: همان،
ص ۱۲۵

برجسته‌ای برای تهیهٔ فیلم مستند بود. اما چون فیلم برداری و فیلم سازی غیردرباری در ایران آن زمان وجود نداشت، چنین فرصتی از دست رفت^۸ و سینمای ایران به واقعهٔ مهم مشروطیت بی اعتنا ماند.

قدیمی ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را، که تاکنون به دست نیامده، می توان از طریق یک یادداشت شناخت. این سند حکمی است از مظفرالدین شاه به عکاس باشی برای فیلم برداری از دسته‌های عزاداری، به ویژه قمه زنی، در سبزه میدان تهران در تاسوعای ۱۳۱۹ق / ۱۸ خرداد ۱۲۸۰ش / ۲۹ مه ۱۹۰۱م. از متن سند پیداست که آن را یکی از نزدیکان شاه از جانب او خطاب به عکاس باشی نوشته است:

برادر مکرم، بندگان اعلی حضرت اقدس همایون
شاهنشاهی، ارواحنا له الفدا، می فرمایند که صبح زود

نخستین فیلم مستند ایرانی

مظفرالدین شاه در روز یکشنبه ۲ ربیع الاول ۱۳۲۳ق / ۱۷ اردیبهشت ۱۲۸۴ش / ۷ مه ۱۹۰۵م تهران را به قصد سفر سوم فرنگ ترک کرد و شنبه ۷ شعبان همان سال به پایتخت بازگشت. از این سفر دو تکه فیلم باقی مانده است (گذر از روی پل آهنی منجیل و گذر در جنگل). فیلم کوتاه گذر از جنگل از نظر فیلم برداری و هنر زیباترین فیلم قدیمی ایرانی به شمار می آید. پس از سفر سوم، شاه چندان بیمار و فرتوت بود که کارهای سینمایی در دربار قاعدتاً نمی توانست شکوفایی داشته باشد. جنبش مشروطه خواهان و تمایل ذاتی مظفرالدین شاه در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ق / ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ش / ۵ اوت ۱۹۰۶م به صدور فرمان مشروطیت انجامید. امواج انقلاب و به ویژه جنگهای آزادی خواهان پس از مرگ شاه و رویدادهای مهمی چون ایجاد روزنامه موضوعهای

۱۸۹۵م/ ۱۲۷۴ش در پاریس و سپس در لندن، برخی از ایرانیانی که در اروپا بودند فیلمهایی دیده بودند؛ اما چون نوشته‌های از خود باقی نگذاشته‌اند، یا هنوز آنها را نیافته ایم، عجلتاً نخستین تماشاجی (تماشاگر) ایرانی سینما را باید همین ابراهیم صحاف‌باشی شمرد که هفده ماه پس از نخستین نمایش عمومی فیلم در پاریس، در لندن به تماشای فیلم رفت.

دیروز وقت مغرب [چهارشنبه - شب پنجشنبه - ۲۴ ذی‌الحجه ۱۳۱۴ق/ ۵ خرداد ۱۲۷۶ش/ ۲۶ مه ۱۸۹۷م] در پارک عمومی گردش می‌نمودم. [شب ...] رفتم تماشاخانه خیابان [پالاس]. بعد از خواندن و رقصیدن خانها [و بندبازی و غیره دیدم که] به قوه برقیه آلاتی اختراع کردند که هر چیز را به همان حالت حرکت اصلی می‌نماید: مثلاً آبشار امریکا را بعینه نشان می‌دهد، فوج سرباز را با حالت حرکت و مشق، قطار آهن را در حرکت به همان سرعت تمام می‌نماید. و این فقره از اختراعات امریکایی است. باری یک ساعت به نصف شب مانده تمام تماشاخانه‌ها تمام می‌شود.^{۱۰}

پیداست که صحاف‌باشی در مورد کشور محل اختراع سینما اشتباه کرده و آن را به جای فرانسه، امریکا شمرده است.

او شش سال بعد، در سال ۱۳۲۱ق/ ۱۲۸۲ش/ ۱۹۰۳م، که هشت سال از اختراع سینما و نمایش عمومی فیلم در فرانسه و سه سال از ورود سینما به دربار ایران می‌گذشت، نخستین تالار نمایش عمومی فیلم را در ایران ایجاد کرد.^{۱۱}

قدیم‌ترین ذکر تماشاخانه (سینمای عمومی) در خاطرات ملیجک، ندیم محبوب ناصرالدین‌شاه، یافت می‌شود. او در خاطرات عصر یکشنبه ۲ رمضان ۱۳۲۱ق/ ۱ آذر ۱۲۸۲ش/ ۲۲ نوامبر ۱۹۰۳م آورده است: «رفتم مغازه صحاف‌باشی. روزهای یکشنبه سیمی فن‌گراف دارد برای فرنگیها و شبها برای عموم. رفتم هیچ‌کس نبود.»^{۱۲} در آن زمان، به ظن قوی بیش از یکی دو روز از آغاز نمایش هرشب فیلم در مغازه صحاف‌باشی نمی‌گذشت؛ زیرا اگر پیش از آن نمایشی در کار می‌بود، ملیجک حتماً سرکی به آن کشیده و در خاطراتش آورده بود.

نخستین تالار سینمای ایران، یا به قول خود صحاف‌باشی «تماشاخانه»، در حیاط پشت مغازه او در خیابان لاله‌زار جای داشت؛ به گفته جهانگیر قهرمان‌شاهی،



ت ۵. خانه میرزا ابراهیم صحاف‌باشی (مهاجر) طهرانی در خیابان لاله‌زارنو که بخشی از آن را موقوفه کودکان بی‌سرپرست مشغول تحصیل کرده بود

اسباب سینموتوگراف را برداشته و در سبزه میدان از تمام دسته‌جات قمه‌زنها و سایرین عکس بیندازید.^۹

به ظن قوی این نخستین فیلم مستند تاریخ سینمای ایران است؛ اما چیزی از آن به دست ما نرسیده است.

نخستین نمایش عمومی سینما

باید به یاد داشت که هنر سینما به ساختن فیلم تمام نمی‌شود، بلکه حلقه سینما وقتی کامل می‌شود که نمایش فیلم برای بیننده ممکن گردد؛ خواه این بیننده اعیان و درباریان باشند، خواه عموم مردم. هنگامی که صحبت از حیات سینما به منزله هنر می‌شود، پای جماعتی بزرگ به میان می‌آید که فیلم را تماشا می‌کنند، درباره‌اش نظر می‌دهند، و با غم و شادبهایش می‌گیرند و خوشحال می‌شوند. بدون آنان این حلقه بی‌معناست. بررسی آراء درباره ارتباط میان تماشاگر و هنر و هنرمند در حوصله این مقال نیست؛ همین بس که در هنری چون سینما، دیده نشدن اثر همچون مرگ آن است.

گویا نخستین ایرانی‌ای که به تماشای سینما رفت ابراهیم صحاف‌باشی (مهاجر) طهرانی بود. او در حدود سال ۱۲۳۷ش متولد شد و در ۱۳۰۰ یا ۱۳۰۱ش، در ۶۳سالگی، در مشهد از جهان رفت. صحاف‌باشی دوست‌دار فنون و ابزارهای جدید و اشیای آسیای شرقی و واردکننده آنها به تهران بود. در این راه، بارها جهان را درنوردید. او متجدد و آزادیخواه بود در رفتار و پوشاک هم چندان به جمع تاسی نمی‌کرد. بی‌تردید پیش از صحاف‌باشی، یعنی از همان آغاز نمایش فیلم در

پسر بزرگ صحاف‌باشی، در جایگاه کنونی چهارراه مهنا (تقاطع خیابان کوشک سابق و لاله‌زار نو). اما این تماشاخانه دیری نپایید و تعطیلی آن قطعاً از رویدادهای مهم تاریخ سینمای ایران شمرده می‌شود. برای این رویداد علت‌های گوناگونی ذکر کرده‌اند؛ مانند خصومت درباریان، تلاش متدینان وقت، و ورشکستگی. اینکه گفته‌اند شیخ فضل‌الله نوری سینما را تحریم کرد گویا اساسی ندارد؛ زیرا گذشته از آنکه مستند نیست، شاهدی برخلاف آن نیز در دست است: روسی‌خان که خود در آن زمان در تهران سینما داشته، سالها بعد به فرخ غفاری گفته که شیخ برای دیدن فیلم به دروازه قزوین آمد و سپس آن را مجاز شمرد.^{۱۳} ظاهراً تعطیلی سینمای صحاف‌باشی علل اقتصادی داشته است. متقاضی فیلم در میان عموم مردم در جامعه آن روز ایران چندان نبود که بتواند تالار سینمای او را سرپا نگه دارد. برای کشاندن معدودی خواص به سینما نیز باید پیوسته فیلمهایی تازه می‌خرید، که چنان سرمایه‌ای نداشت.^{۱۴}

دگرگونی تدریجی چهارچوب فکری ایرانیان در دوره مظفری و جوّ تجدّدخواه حاکم بر انقلاب مشروطه و همچنین پیشرفت فنی سینما وضعیت اجتماعی و اقتصادی تازه‌ای پدید آورد که به تولد دوباره سالنهای سینما در حدود سال ۱۳۲۵ ق / ۱۲۸۶ ش / ۱۹۰۷ م انجامید و این بار به استمرار آنها منجر شد. این امر در مورد فیلم‌سازی، که شرح آن رفت، صدق نیافت. پا گرفتن فیلم‌سازی در آن زمان، مانند هر زمان دیگر، به ثروتمندان علاقه‌مند و تماشاگران بسیار نیاز داشت که هیچ‌یک در ایران آن زمان نبود. بی‌ثباتی اقتصادی کشور و ضعف روزافزون دولت هم تحقق این مقدمات را دشوارتر می‌کرد.^{۱۵}

و این سرنوشت آغازین روزهای سینمای ایران بود. □

کتاب‌نامه

امید، جمال. تاریخ سینمای ایران، تهران، روزنه، ۱۳۷۷.

عدل، شهریار. «نگاهس به نخستین فیلمهای سینمای ایران»، در: کاتالوگ همایش تخصصی بازیابی فیلمهای نخستین تاریخ سینمای ایران، تهران، سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۶-۱۹ آذر ۱۳۸۲.

_____. «آشنایی با سینما و نخستین گامها در فیلم‌برداری و فیلم‌سازی در ایران»، در: طلاووس، ش ۵ و ۶ (پاییز و زمستان ۱۳۷۹)، ص ۵۸ به بعد.

غفاری، فرخ. «میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی نخستین فیلم‌بردار ایرانی»، در: فیلم، ش ۲۵۸ (شهریور ۱۳۷۹)، ص ۱۹ به بعد.

کاتالوگ همایش تخصصی بازیابی فیلمهای نخستین تاریخ سینمای ایران، تهران، سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۶-۱۹ آذر ۱۳۸۲.

پی‌نوشتها:

۱. جمال امید، تاریخ سینمای ایران، ص ۲۰ و ۲۱.
۲. همان، ص ۲۱.
۳. شهریار عدل، «بازیابی فیلمهای نخستین تاریخ سینمای ایران».
۴. همان‌جا. موضوع فیلمها وقایعی است که شاه و درباریان (عیسی‌خان، میرزا ابوالقاسم غفاری، ملیجک، ...) در جلو دوربین بازی می‌کردند: (۱) جنگ خرسواران و پیادگان چوب و چماق به دست، با شرکت عیسی‌خان و میرزا ابوالقاسم غفاری؛ (۲) فلکه کردن کوتوله و غلام سیاه، با شرکت عیسی‌خان و ملیجک؛ (۳) مشاجره با عرب؛ (۴) سواری گرفتن کوتوله از عرب، با شرکت عیسی‌خان و میرزا ابوالقاسم غفاری.
۵. فرخ غفاری، «میرزا ابراهیم‌خان عکاس‌باشی نخستین فیلم‌بردار ایرانی» ص ۱۹.
۶. جمال امید، همان، ص ۲۱.
۷. همان، ص ۲۲.
۸. همان؛ شهریار عدل، «نگاهی به نخستین فیلمهای سینمای ایران».
۹. کاتالوگ همایش، تخصصی بازیابی فیلمهای نخستین تاریخ سینمای ایران.
۱۰. شهریار عدل، «آشنایی با سینما و نخستین گامها در فیلم‌برداری و فیلم‌سازی در ایران»، ص ۵۹.
۱۱. شهریار عدل، همان، ص ۶۰.
۱۲. همان‌جا.
۱۳. همان، ص ۶۳.
۱۴. همان‌جا.
۱۵. همان‌جا.